



۲۵۹۵۷



از نظامات آراء علمی ایران
توسط آری

دانشگاه تبریز
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
گروه اقتصاد

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

عنوان

بررسی تاثیر تسهیلات اعطایی سیستم بانکی کشور بر ارزش
افزوده بخش کشاورزی و صنعت در اقتصاد ایران
(۱۳۷۷-۱۳۵۱)

استاد راهنما :

آقای دکتر جعفر حقیقت

استاد مشاور :

آقای دکتر سیدعلیرضا کا زرونی

پژوهشگر :

رضابهبخت

شماره

۴۵۹۵۷

دیماه سال ۱۳۸۱

تقدیم به :

پدر بزرگوار و مادر مهربانم

که با عشق و محبت تحمل خستگیهایم را داشته‌اند.

به اساتید عزیزمان

که از وجودشان شمعی ساختند تا چراغ راه تاریکیها باشند.

سپاسگزاری

در ابتدا سخن باید از پدر و مادری سپاس گویم که با تلاش طاقت فرسای خویش از هیچ زندگی ساختند و فداکارانه مشوق راهم بودند و امروز هرچه دارم از وجود پر برکت آنهاست. و همچنین لازم می‌دانم از زحمات صمیمانه استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حقیقت که راهنمایی این تحقیق را برعهده داشتند و بویژه از زحمات دلسوزانه و پیگیریهای مجدانه استاد مشاور جناب آقای دکتر کازرونی مدیر محترم گروه اقتصاد تقدیر و تشکر نمایم و نیز جا دارد از استاد محترم جناب آقای دکتر ناصر صنوبر که زحمت داوری این پایان‌نامه را تقبل نمودند و با نظرات ارزنده خویش مرا در تکمیل پایان‌نامه یاری فراوان نمودند سپاسگزاری نمایم.

و همچنین از راهنماییهای اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر بهشتی، دکتر متفکر آزاد، دکتر اسدزاده تقدیر و تشکر نمایم و همچنین از ریاست و مسئولین محترم دانشکده علوم انسانی و اجتماعی کمال تشکر و سپاسگزاری داشته باشم.

نام خانوادگی دانشجو: بهجت خواجه

نام: رضا

عنوان پایان نامه: بررسی تاثیر تسهیلات اعطایی سیستم بانکی کشور بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنعت در اقتصاد ایران (۱۳۷۷-۱۳۵۱)

استاد راهنما: آقای دکتر جعفر حقیقت

استاد مشاور: آقای دکتر سیدعلیرضا کازرونی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: اقتصاد گرایش: توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه: تبریز
دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی تاریخ فارغ‌التحصیلی: دی ماه ۱۳۸۱ تعداد صفحه: ۹۶

کلید واژه‌ها: تسهیلات اعطایی سیستم بانکی، اعتبارات، ارزش افزوده، بخش صنعت و کشاورزی

چکیده:

در گذر توسعه و رشد اقتصادی هر کشوری عوامل متعددی از قبیل متغیرهای پولی، مالی، سیاسی و ساختاری می‌توانند تاثیرگذار باشند که در این میان متغیر تغییر در مانده اعتبارات اعطایی سیستم بانکی کشور بر ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی بعنوان یکی از متغیرهای پولی و مالی در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است. چراکه در مقطع کنونی توسعه کشور به نقش و عملکرد سیستم بانکی کشور در ایجاد اشتغال و ظرفیت تولیدی جدید ایرادات و انتقادات جدی وارد شده است این تحقیق چالشی است برای پاسخ به این سوال که سیستم بانکی کشور یا بخش مالی اقتصاد چه اندازه از طریق اعطای تسهیلات بانکی در ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی موثر بوده است. از آنجائیکه بخش مالی اقتصاد پشتیبانی کننده و مکمل بخش واقعی اقتصاد کشور می‌باشد، به این منظور ابتدا تحلیلی از ویژگیها، بخش مالی و وظایف سیستم بانکی ارائه شده است.

این پژوهش با استفاده از متغیرهای، ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی، متغیر تغییر در مانده اعتبارات اعطایی بانکها (نه بصورت Stock بلکه بصورت Flow)، متغیر بهره‌وری نیروی کار و متغیر سرمایه‌گذاری و داده‌های سریهای زمانی ۱۳۵۱ الی ۱۳۷۷ به قیمتهای ثابت ۱۳۶۹ در قالب روش برآورد خطی (OLS) و روش معادلات همزمان بصورت (3SLS) با استفاده از بسته نرم‌افزاری Eviews انجام یافته است. در روش برآورد خطی اثر اعتبارات اعطایی سیستم بانکی با استفاده از تابع عرضه و تقاضای کشاورزی و صنعت بصورت تک معادله‌ای استخراج گردید و همچنین با توجه به اینکه متغیرهای پژوهش به نحوی به هم ارتباط دارند به منظور نگرش سیستمی به موضوع سه معادله در قالب تابع تولید، اتحاد سرمایه، تابع سرمایه‌گذاری، تدوین شد و تاثیر متغیر اعتبارات اعطایی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنعت با استفاده از روش (3SLS) مورد بررسی قرار گرفت.

در تخمین مدل با استفاده از مدل خطی میچل آلتون گیلبرت نشان داده شده که عمده تغییرات در ارزش

افزوده بخش کشاورزی بوسیله متغیرهای بهره‌وری نیروی کار، تولید ناخالص ملی، تغییر در مانده اعتبارات ایجاد می‌شود. در الگوی مدل معادلات همزمان که بوسیله سه معادله تابع تولید، اتحاد سرمایه و تابع سرمایه‌گذاری تدوین و کار شده است نتایج نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در مانده اعتبارات سیستم بانکی منجر به افزایش ۰/۲۵ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی می‌شود.

همچنین در بخش صنعت نتایج نشان می‌دهد که عمده تغییرات در ارزش افزوده بخش صنعت بوسیله متغیرهای بهره‌وری نیروی کار بخش صنعت، تغییر در مانده اعتبارات و تولید ناخالص ملی ایجاد می‌گردد. و نتایج حاصله در مدل معادلات همزمان در قالب سه معادله یاد شده نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در مانده اعتبارات بانکی منجر به افزایش ۰/۵۳ درصد در ارزش افزوده بخش صنعت می‌شود.

در روش معادلات همزمان به دلیل رشد نیروی کار و عدم تعادل در بازار کار و نیز مقررات و محدودیتهای قانونی، بهره‌وری نیروی کار در طی دوره مورد بررسی کاهش یافته است. که این مورد می‌تواند ناشی از سیاستهای تحمیلی دولت در واحدهای صنعتی به جای سیاستهای رقابتی باشد. اما ضریب مربوط به متغیر بهره‌وری نیروی کار در بخش صنعت بیشتر از بخش کشاورزی است که نشان از اشتغال‌زایی بخش صنعت می‌باشد. لذا به منظور ایجاد اشتغال و ظرفیت تولیدی جدید سیاستهای انبساطی با گسترش اعتبارات اعطایی در بخش صنعت بعنوان سیاست اقتصادی برای کارگزاران اقتصادی توسعه می‌گردد.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه ۱
- ۱-۲- بیان مساله ۲
- ۱-۳- اهمیت و ضرورت موضوع ۳
- ۱-۴- اهداف تحقیق ۴
- ۱-۵- فرضیه‌های تحقیق ۵
- ۱-۶- تعریف جامعه آماری و روش جمع‌آوری آمار و اطلاعات ۵
- ۱-۷- تعریف متغیرها ۵
- ۱-۸- تعریف عملیاتی متغیرها ۶
- ۱-۹- ابزار تحقیق ۷
- ۱-۱۰- محدودیت‌های تحقیق و زمانبندی طرح ۷

فصل دوم: پایه‌های نظری و پیشینه پژوهش

- ۲-۱- مبانی نظری ۸
- ۲-۱-۱- اهمیت بخش مالی در اقتصاد ۸
- ۲-۱-۲- نظریه اختناق مالی ۱۰
- ۲-۱-۳- نظریه محدودیت مالی ۱۱
- ۲-۱-۴- مدل سهمیه‌بندی اعتبارات ۱۱
- ۲-۱-۵- وظایف و نقش بالقوه نظام بانکی ۱۴
- ۲-۲- رابطه ساختار اقتصادی و بخش مالی ۱۸
- ۲-۲-۱- ویژگیهای عمده بخش مالی در کشورهای در حال توسعه ۱۸

- ۲-۲-۲- خصوصیات و ساختار بخش مالی در اقتصاد ایران..... ۲۳
- ۲-۲-۳- موانع سیستم بانکی کشور در رابطه با تسهیل تسهیلات اعطایی..... ۳۰
- ۲-۳- پیشینه تحقیق..... ۳۲

فصل سوم : مروری بر ویژگیهای جامعه آماری پژوهش و مدل‌سازی تحقیق

- ۳-۱- مروری بر ویژگیهای جامعه آماری پژوهش و مدل‌سازی تحقیق..... ۳۵
- ۳-۱-۱- بخش کشاورزی..... ۳۵
- ۳-۱-۲- ساختار نظام مالی و اعتباری در بخش کشاورزی..... ۳۹
- ۳-۱-۳- آزادسازی اقتصادی و مساله تامین اعتبارات کشاورزی..... ۴۱
- ۳-۲- مروری بر تحولات بخش صنعت..... ۴۲
- ۳-۲-۱- وضعیت بازارهای مالی کشور در ارتباط با تامین مالی طرحهای صنعتی..... ۴۷
- ۳-۲-۲- عدم هماهنگی اعتبارات پولی اعطایی در نظام بانکی با سیاستهای صنعتی کشور..... ۴۹
- ۳-۳- روش‌شناسی تحقیق و انتخاب مدل..... ۵۳
- ۳-۳-۱- مبحث معادلات همزمان..... ۵۳
- ۳-۳-۲- اشاره‌ای بر مدل‌های پویای اقتصادسنجی..... ۵۵
- ۳-۳-۳- انتخاب مدل تحلیلی در بخش کشاورزی..... ۶۵

فصل چهارم : نتایج و بحث

- ۴-۱- نتایج و بحث..... ۷۲
- ۴-۱-۱- بررسی تجربی و تخمین الگو در بخش کشاورزی..... ۷۲
- ۴-۱-۲- تفسیر نتایج الگو در بخش کشاورزی..... ۷۴
- ۴-۱-۳- برآورد معادلات و تفسیر ضرایب از طریق روش معادلات همزمان..... ۷۶
- ۴-۲- بررسی و تخمین الگو در بخش صنعت..... ۸۰
- ۴-۲-۱- معرفی متغیرهای تحقیق و تخمین مدل در بخش صنعت..... ۸۱
- ۴-۲-۲- تفسیر نتایج الگو در بخش صنعت..... ۸۳

۳-۲-۴- روش معادلات همزمان در بخش صنعت..... ۸۳

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۱-۵- مروری بر خطوط کلی تحقیق..... ۸۷

۲-۵- یافته‌های مهم پژوهش..... ۸۸

۳-۵- پیشنهادات..... ۹۰

۱-۳-۵- پیشنهادهای سیاستگذاری..... ۹۰

۲-۳-۵- پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی..... ۹۱

منابع و ماخذ..... ۹۳

پیوست

نتایج تخمین کامپیوتری سیستم خطی در بخش کشاورزی

نتایج تخمین کامپیوتری سیستم معادلات همزمان در بخش کشاورزی

نتایج تخمین کامپیوتری سیستم خطی در بخش صنعت

نتایج تخمین کامپیوتری سیستم معادلات همزمان در بخش صنعت

جدول داده‌های آماری

□ فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

اقتصاد ایران بعنوان اقتصادی در حال توسعه همانند بسیاری از کشورهای دیگر جهان که در مسیر رشد اقتصادی قرار گرفته و دورنمایی از پیشرفت اقتصادی را برای خود ترسیم نموده است تلاشها و اقداماتی در جهت نیل به هدف فوق انجام می دهد.

به منظور تامین نیازهای مربوط به پیشرفت و توسعه اقتصادی اخذ تدابیر، ابزارهای لازم و کارآمد در جهت نیل به اهداف فوق اجتناب ناپذیر می باشد و این امر از طریق مطالعه و تفحص در مورد اقتصاد ایران و نحوه رفتارهای متغیر اقتصادی موجود در جامعه بطور اخص و مطالعه دیگر شرایط اجتماعی، جغرافیایی ... کشور میسر می باشد. که در این میان یکی از مهمترین معیارهای مربوط به درجه پیشرفت و توسعه اقتصادی رشد ناخالص داخلی و یا ارزش افزوده کل اقتصاد بوده که موتور محرکه اصلی این رشد، افزایش سرمایه گذاری اعم از فیزیکی و انسانی می باشد. بدیهی است عوامل متعددی از قبیل متغیرهای پولی، مالی، سیاسی و ساختاری و ... می توانند بر روند و تغییرات سرمایه گذاری و مالاً رشد اقتصادی تاثیرگذار باشند، دسترسی بنگاههای اقتصادی، دولتی و غیر دولتی به اعتبارات ریالی سیستم بانکی نیز یکی از عوامل دخیل در تغییرات سرمایه گذاری و تولید می باشد. از این رو سیستم بانکی به عنوان نهاد کارآمد موسسات مالی و متولی سیاست پولی کشور از طریق جذب پس اندازها (تجهیز) و اعطای اعتبار (تخصیص) می توانند رشد اقتصادی و فرآیند توسعه بخش صنعت و کشاورزی را میسر سازند.

گرچه به جهت وجود تفاوت در رفتارهای اقتصادی بخشهای مختلف، مطالعه مجزای هر بخش اقتصادی می تواند راه گشای مناسبی در جهت شناخت میزان اثر بخشی اعتبارات بانکی بر متغیرهای کمی اقتصاد بویژه اشتغال باشد.

اما اثر بخشی سیاستهای پولی در بخش اقتصادی در سالهای کنونی مورد انتقاد قرار

گرفته و به نقش اعتبارات اعطائی از طرف بانکها در ایجاد ارزش افزوده و ایجاد اشتغال ایرادات جدی وارد شده است. لذا با توجه به اطلاعات و آمار موجود بررسی حاضر در حیطه تحولات مربوط به بخشهای صنعت و کشاورزی محدود شده است.

از سوی دیگر نظام بانکداری کشورمان دارای ویژگیهای خاص است، مثلا در این سیستم بانکی، به دلیل مالکیت دولتی، نرخهای بهره مصوب و بکارگرفته شده و حجم ریالی تسهیلات بطور یکنواخت که مورد عمل تمام سیستم بانکی است انعطاف پذیری آنرا به حداقل می‌رساند.

۲-۱- بیان مساله

در ادبیات اقتصادی، اقتصاد معمولا از دو جنبه مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

الف- جنبه واقعی (Real or goods Aspect)

ب- جنبه مالی (Financial Aspect)

در بعد توسعه مالی به نقش واسطه‌های مالی (Financial Intermediaries) در جذب پس اندازها و هدایت آن به سمت سرمایه‌گذاری و در نهایت تشکیل سرمایه توجه می‌شود (صمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۲). بخشهای صنعت و کشاورزی به لحاظ اهمیت خاصی که در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی دارند نیازمند سرمایه‌گذاری بوده که باید از طریق مؤسسات مالی و دولت تامین مالی گردند اتحادیه‌های اعتباری و بانکهای تجاری و تخصصی که بعد از دهه ۱۹۵۰ به شدت گسترش یافته‌اند و مسئولیت اجرای سیاست پولی و تخصیص اعتبار را با استفاده از ابزارهای کیفی (نظیر محدودیتهای اعتباری و منظور کردن اولویت در تخصیص اعتبارات و یا منع آن، اعتبارات تکلیفی برای بخشی از اقتصاد...)، و کمی (نظیر سپرده ذخیره قانونی، نرخ تنزیل مجدد، عملیات بازار آزاد (Open Market))، به عهده دارند لذا دانستن این نکته که تسهیلات اعطائی بانکها (سیستم مالی) چه اندازه در ایجاد و تغییر رشد ارزش

افزوده دو بخش مذکور اقتصاد مؤثر بوده و نقش بارزی در توسعه هر یک از بخشها داشته و همچنین اثر بخشی سیاستها و ابزارهای پولی در بخش صنعت و کشاورزی چگونه بوده است که عنوان تحقیق حاضر را تشکیل می دهد و می تواند در اجرای سیاست های پولی و مالی در زمینه تخصیص اعتبارات بانکی بین بخش های اقتصادی صنعت و کشاورزی روشن گری نموده و پرده از ابهامات بردارد.

۳-۱- اهمیت و ضرورت موضوع

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران سرمایه عامل کمیاب شناخته شده است و با توجه به اینکه سرمایه یکی از عوامل اصلی تولید است و در تعیین نوع و مقدار و کیفیت تولیدات نیز نقش بسزائی دارد و علاوه بر آن رشد کلی اقتصاد در بخشهای مختلف به میزان قابل توجهی به جریان سرمایه گذاری واقعی و انباشت سرمایه بستگی دارد؛ با بررسی ارقام تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری در بخش صنعت و کشاورزی ملاحظه می شود که نسبت سرمایه گذاری به ارزش افزوده بخش کشاورزی بطور متوسط به قیمت های سال ۹۱۳۶۱، درصد و این رقم در صنعت حدود ۱۳ درصد می باشد.

اعتبارات بانکی در ایران اغلب برای حفظ و نگهداری فعالیتهای جاری و تامین سرمایه در گردش بنگاههای تولیدی در اقتصاد مورد استفاده قرار می گیرد و مخارج عمرانی دولت برای سرمایه گذاری های زیر بنائی و توسعه ای است. ملاحظه می شود که نسبت اعتبارات بانکی به ارزش افزوده در بخش کشاورزی بطور متوسط ۲۲ درصد و برای بخش صنعت ۲۶ درصد می باشد که همواره در طول بعد از انقلاب این نسبت برای صنعت بیشتر از بخش کشاورزی بوده است. (گزارش اقتصادی، اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی)

البته بحث در خصوص اینکه کدامیک از بخشهای اقتصادی مذکور در روند توسعه اقتصادی یک کشور تقدم و تاخر دارند و نقش محوری با کدام بخش است خارج از مقوله این

تحقیق می‌باشد ولی چیزی که مسلم است اینست که برنامه‌های توسعه صنعتی بدون نادیده گرفتن توسعه اقتصاد کشاورزی ناموفق است و به جایی رهنمود نخواهد شد. لذا نگرش پژوهشگر اعتقاد به همبستگی مستقیم و رشد متوازن در فرآیند توسعه بین دو بخش می‌باشد که ارتباطات قوی پیشین و پسین (Linkages) موید ادعاست.

بهر حال به جاست که نقش اعتبارات بانکی به عنوان یک متغیر درون‌زا در نگرش توسعه‌ای در دو بخش صنعت و کشاورزی مورد ارزیابی قرارگیرد چراکه در سالهای اخیر در محافل علمی اقتصادی این سؤال مطرح شده است که موضوع تخصیص اعتبارات به بخشهای اقتصادی از طریق بانکها از مسیر خود منصرف شده و باعث یارانه اعتباری برای سایر بخشهای اقتصادی از جمله خدمات و بازرگانی شده است.

۴-۱- اهداف تحقیق:

وجود مازاد تقاضای اعتبارات بانکی نسبت به عرضه در کشور به دلیل پایین بودن نرخ بهره تسهیلات نسبت به نرخ تورم در سالهای مورد مطالعه سبب گردیده اعتبارات به گونه‌ای جیره‌بندی شوند و دولت به لحاظ مالکیتش بر سیستم بانکی با وضع مقررات سهمیه بندی شده، اعتبارات را بین بخشهای مختلف اقتصادی تقسیم کند. اعتبارات تخصیص یافته به بخش صنعت و کشاورزی در راستای اهداف کلان اقتصادی دولت برای رشد بخشهای اقتصادی است و بدیهی است که اگر این اعتبارات به صورت بهینه به مصرف رسند به رشد ارزش افزوده منجر خواهد شد و در غیر این صورت اعطاء تسهیلات بانکی از مسیر اصلی خود منحرف شده و منجر به عدم تخصیص بهینه منابع اقتصادی می‌شود.

لذا اهداف کلی و مشخص تحقیق پس از شرح الگوی تحلیلی آن و نشان دادن چگونگی اندازه‌گیری اثر اعتبارات بانکی بر ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی به

صورت ذیل بوده:

۱- بررسی تاثیر اعتبارات اعطایی شبکه بانکی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در اقتصاد ایران.

۲- بررسی تاثیر اعتبارات اعطایی سیستم بانکی بر ارزش افزوده بخش صنعت در اقتصاد ایران.

و همچنین درصدد یافتن پاسخی به این سؤال است که آیا میزان مانده تسهیلات اعطایی بانکها در رشد ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی تاثیر داشته یا خیر؟ و ثانيا اثر بخشی تسهیلات در کدام بخش بیشتر است؟

۵-۱- فرضیه‌های تحقیق

۱- تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر مثبت دارد.
 ۲- میزان تاثیر متوسط تسهیلات اعطایی بانکها در ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی متفاوت از همدیگر می‌باشند.

۳- تسهیلات اعطایی بانکها بر ارزش افزوده بخش صنعت اثر مثبت دارد.

۶-۱- تعریف جامعه آماری و روش جمع‌آوری آمار و اطلاعات

جامعه آماری مورد مطالعه کل بخش صنعت و کشاورزی و در سطح کلان می‌باشد و داده‌های مورد نیاز تحقیق از آمارهای سری زمانی ۱۳۵۱-۱۳۷۷ منتشر شده از طرف بانک مرکزی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و مرکز آمار ایران اخذ خواهد شد و روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. لازم به ذکر است از آنجا که از سال ۱۳۶۲ نظام بانکداری کشور برحسب قانون بانکداری بدون ربا اداره می‌شود برای تغییر ساختار نظام بانکداری کشور متغیر مجازی تعریف خواهد شد.

۷-۱ تعریف متغیرها

متغیرهای مرود استفاده در الگوی اقتصادسنجی این تحقیق بشرح ذیل است ک: